|  |
| --- |
| **اميرعلي موسويان** |
| **نظرية ديويد لوييس دربارة تبيين عليت بر پاية شرطي‌هاي خلاف واقع** |
| براي تعيين صدق يک شرطي خلاف واقع بايد توجه داشت که آيا تالي در جهان­هاي– مقدم معيني صادق است و نيز نبايد همه جهان­هاي– مقدم بلکه تنها بايد بعضي از آنها را در نظر گرفت. ديويد لوييس در کتاب *شرطي هاي خلاف* *واقع* ضمن معرفي شرطي‌هاي خلاف واقع به عنوان شرطي‌هاي به طور تغييرپذير اکيد متناظر با اسناد دسترس پذيري بر طبق تشابه مقايسه‌اي جهان‌ها براي هر جهان، مجموعه جهان هايي که لااقل در درجه معين ثابتي مشابه جهانهستند را فرض مي کند. تحليل پاياني لوييس در مورد گزاره‌هاي شرطي خلاف واقع و شرايط صدق آنها به اين صورت است که در صادق است اگر و تنها اگر يک جهان – (دسترس پذير) نزديک تر از هرجهان – به باشد اگر جهان هاي (دسترس پذير) وجود داشته باشند.  مشکل اصلي در مورد تحليل انتظام عليت که باعث آزمودن و ارائه تحليل شرطي خلاف واقع توسط لوييس شد، عدم موفقيت تحليل انتظام در تشخيص علل واقعي از معلول ها، پي پديدارها و علل بالقوه پيش دستي شده بود، بدون ايجاد پيچيدگي‌هاي بيشتر و انحراف از اين ايدة بنيادي که عليت تحقق انتظام‌ها است. لوييس تعريف دوم عليت هيوم را به عنوان تعريف خود، نه از خود عليت بلکه از وابستگي علّي ميان رويداد هاي واقعي استفاده مي کند. براساس تحليل شرطي خلاف واقعي لوييس، رويدادی علت رويداد ديگر است اگر و تنها اگر يک زنجيرة علّی که از اولي به دومي بينجامد وجود داشته باشد. مدت‌ها لوييس مدافع تحليل شرطي خلاف واقعي عليت بوده است، اما ساده‌ترين تحليل شرطي خلاف واقعي در موارد عليت زيادتي از کار مي‌افتد. او بار ديگر تغيير نظر می‌دهد تا به تحليل صحيح براي تشخيص علت در اين موارد و منشأ تفاوت بين آنچه علت است و آنچه علت نيست برسد. |